

# حلقات

## درس ۷۹

استاد: حجت الاسلام و المسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای مهاجری

شهید صدر در درس قبل به تعریف قدرت به معنای اخص و قدرت به معنای اعم پرداخت و بیان کرد که قدرت به معنای اعم از دو جزء تشکیل شده است:

۱. قدرت به معنای اخص؛

۲. عدم ابتلاء به امر به ضد تکلیف اول.

در این درس در صدد این هستیم که به بیان دقیق ترمعنای جزء دوم بپردازیم. در این زمینه دیدگاه مرحوم محقق نائینی و مرحوم آخوند خراسانی مطرح شده است که پس از بیان این دو دیدگاه با تفاوت این دو و استدلال مرحوم آخوند آ شنا خواهیم شد.

و انما الإشكال فى معنى عدم الابتلاء الذى يتعين عقلاً أخذه شرطاً فى التكليف فهل هو بمعنى ان لا يكون مأموراً بالضد، أو بمعنى ان لا يكون مشغولاً بامتنال الأمر بالضد، و الأول يعنى ان كل مكلف بأحد الضدين لا يكون مأموراً بضده سواء كان بصدد امتثال ذلك التكليف أو لا. و الثانى يعنى سقوط الأمر بالصلاة عن كلف بالإنقاذ لكن لا بمجرد التكليف بل باشتغاله بامتناله، فمع بنائه على العصيان و عدم الإنقاذ يتوجه إليه الأمر بالصلاة، و هذا ما يسمى بثبوت الأمرين بالضدين على نحو الترتب.

و قد ذهب صاحب الكفاية - رحمه الله - إلى الأول مدعياً استحالة الوجه الثانى لأنه يستلزم فى حالة كون المكلف بصدد عصيان التكليف بالإنقاذ ان يكون كلا التكليفين فعلياً بالنسبة إليه. اما التكليف بالإنقاذ فواضح لأن مجرد كونه بصدد عصيانه لا يعنى سقوطه، و اما الأمر بالصلاة فلان قده محقق بكلا جزئيه لتوفر القدرة التكوينية، و عدم الابتلاء بالضد بالمعنى الذى يفترضه الوجه الثانى، و فعلية الأمر بالضدين معاً مستحيلة فلا بد اذن من الالتزام بالوجه الأول فيكون التكليف بأحد الضدين بنفس ثبوته نافياً للتكليف بالضد الآخر.

## بررسی معنای دقیق عدم ابتلای به ضد در قدرت به معنای اعم

### یادآوری

در نظر عقل آنچه که در تکالیف شرط است قدرت به معنای اعم است و قدرت به معنای اعم فراتر از قدرت تکوینی بر تکلیف است و دارای جزء دیگری به نام عدم ابتلا مکلف به امر به ضد هم می باشد. بنا براین قدرت به معنای اعم دارای دو جزء **ایجابی و سلبی** است که جزء ایجابی آن همان قدرت تکوینی بر متعلق و جزء سلبی آن عدم ابتلا به امر به ضد است.

**مثال:** اگر مکلف هم زمان مکلف به نماز و ازاله نجاست از مسجد باشد، قدرت به معنای اعم به نماز ندارد؛ چون هم زمان قادر به جمع بین امتثال این دو تکلیف نیست. البته قدرت به معنای اخص را دارا می باشد؛ چون قدرت تکوینی بر انجام نماز را دارد.

### اقوال در معنای دقیق عدم ابتلا به تکلیف به ضد

#### اول: قول آخوند خراسانی

ایشان معتقدند که جزء دومی که در قدرت به معنای اعم شرط است عبارت از این است که مکلف، مأمور به ضد نباشد؛ چه مکلف قصد امتثال این امر به ضد را داشته باشد و چه نداشته باشد. به عبارت دیگر صرف امر به ضد، باعث از بین رفتن قدرت به معنای اعم می شود و امتثال یا عدم امتثال مکلف دخلی در آن ندارد و در مواردی که هم زمان مکلف مأمور به دو امر متضاد باشد، محال لازم می آید و عقل از باب قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور آن را نمی پذیرد.

Sco1: ۷: ۵۳

## قول دوم در معنای عدم ابتلاء به ضد

دوم: قول محقق نائینی

ایشان معتقدند که معنای عدم ابتلای مکلف به تکلیف متضاد، عدم اشتغال مکلف به تکلیف متضاد است ؛ نه صرف تکلیف متضاد، بنا براین در صحت تکلیف، عدم اشتغال به تکلیف به ضد لازم است و صرف امر به ضد مخل نیست.

**نکته:** از قول محقق نائینی بدست می آید که اگر مکلف بنا بر عصیان یکی از دو ضد را داشته باشد، تکلیف دیگر بر او فعلیت می یابد.

### فرق بین دو قول

نگاه مرحوم آخوند به عالم جعل می باشد و نگاه مرحوم نائینی به عالم امتثال است و مطلب را از باب تراحم می گیرند. به عبارت دیگر مرحوم آخوند به استحاله توجه دو امر متضاد به مکلف قائل است و مرحوم نائینی صرف توجه دو تکلیف متضاد را محال نمی داند و معتقد است وقتی محال پیش می آید که مکلف بخواهد هر دو را با هم امتثال کند؛ چون مکلف قدرت جمع بین دو تکلیف متضاد را در این مرحله ندارد و تا وقتی که بحث امتثال مطرح نشده است، مشکلی پیش نمی آید.

**مثال:** مرحوم آخوند معتقد است که تکلیف به نماز مشروط به دو چیز است :

۱. قدرت به معنای اخص باینکه مکلف بتواند نماز را فی نفسه انجام دهد.

۲. مکلف به تکلیف متضاد با نماز نباشد.

و در مقابل مرحوم نائینی معتقد است که تکلیف به نماز مشروط به دو چیز است:

۱. قدرت به معنای اخص باینکه مکلف بتواند نماز را فی نفسه انجام دهد.

۲. عدم اشتغال مکلف به امتثال تکلیفی دیگر.

Sc02(۱۵:۳۷)

## استدلال مرحوم آخوند

استدلال مرحوم آخوند به شکل زیر می باشد:

**صغری:** اگر هر تکلیفی مشروط به عدم امتثال تکلیف متضاد خود باشد، در صورت قصد مکلف بر ترک امتثال، هر دو تکلیف متضاد بر او فعلیت می یابد.

**کبری:** فعلیت یافتن دو تکلیف متضاد محال است.

**نتیجه:** اگر هر تکلیفی مشروط به عدم امتثال تکلیف متضاد خود باشد، در صورت قصد مکلف بر ترک امتثال، محال پیش می آید. بنا براین کلام مرحوم نائینی صحیح نیست.

## توضیح صغری:

قصد عصیان تکلیف، مسقط تکلیف نیست و قصد عدم امتثال تکلیف باعث نمی شود که تکلیف از مکلف ساقط شود؛ هر چند خود عصیان را مسقط تکلیف دانسته اند. در ما نحن فیه هم قصد عصیان تکلیف به نماز و تکلیف به انقاز غریق، باعث سقوط تکلیف به نماز و انقاز غریق نیست.

از طرفی طبق مبنای مرحوم نائینی هر کدام از وجوب نماز و وجوب انقاز مشروط به عدم امتثال دیگری است ؛ یعنی وجوب نماز وقتی فعلیت می یابد که مکلف امتثال وجوب انقاز را ترک کند و وجوب انقاز هم وقتی فعلیت می یابد که مکلف اشتغال به امتثال وجوب نماز نداشته باشد و در ما نحن فیه مکلف قصد عصیان و ترک امتثال هر دو تکلیف وجوب نماز و وجوب ازاله را دارد ؛ بنا بر این هر دو تکلیف بر او فعلیت می یابد؛ زیرا از طرفی قصد عصیان مسقط تکلیف نیست و از طرفی هم شرط تکلیف که عبارت است از عدم اشتغال به ضد در اینجا وجود دارد.

نکته:

ثمره فعلیت یافتن دو تکلیف متضاد در عقاب مشخص می گردد به این شکل که اگر کسی دو تکلیف متضاد را ترک کند دو عقاب خواهد داشت؛ زیرا دو تکلیف بر او فعلی بوده است و بنا بر فرض، هر دو ترک شده است. این در حالی است که مکلف فقط قدرت بر انجام یکی از این دو تکلیف را داشت و در واقع یکی از اینها را ترک کرده است.

Sco<sup>۳</sup>(۲۶:۳۴)

۱. جزء ایجابی قدرت به معنای اعم، عبارت است از قدرت تکوینی مکلف بر انجام عمل و جزء سلبی عبارت است از عدم ابتلا مکلف به تکلیف به ضد.

۲. مرحوم آخوند جزء سلبی را به معنای عدم ابتلا مکلف به امر به ضد می‌داند ولو مکلف قصد ترک امتثال را داشته باشد و محقق نائینی جزء سلبی را عدم اشتغال مکلف به امتثال امر به ضد می‌داند.

۳. دلیل مرحوم آخوند بر مدعای خود این است که اگر هر تکلیفی مشروط به عدم امتثال تکلیف متضاد باشد، در صورت قصد مکلف بر ترک امتثال، هر دو تکلیف متضاد بر او فعلیت می‌یابد و فعلیت یافتن دو تکلیف متضاد محال است؛ بنا براین قول مرحوم نائینی در برخی از حالات مستلزم محال است.